



امیر حاج‌رضایی، کارشناس و مفسر فوتبال

حواشی جام ملت‌های اروپا باعث شده این‌روزها بیشتر واژه «هولیکان» به گوشمان بخورد. اما شاید برای بسیاری این واژه چندان آشنا نباشد. هولیکان از نام «پاتریک هولیکان» که طرفدار ایرلندی فوتبال بود، گرفته شده است. این طرفدار در جریان مسابقه‌ای که در انگلستان برگزار می‌شد، تحت‌تأثیر الکل دست به اقدامات خشن زد که منجر به متشنج‌شدن بازی فوتبال شد. از آن پس به انجام رفتارهای خشن و تخریگرانه هولیکانیسم و به طرفدارانی که دست به این نوع اقدامات می‌زنند، هولیکان گفته می‌شود. اگرچه در برخی از کشورهای جهان واژه‌های دیگری نیز به چنین افرادی اطلاق می‌شود. برای مثال، در ایتالیا به این نوع طرفداران «اولترا» گفته می‌شود. اما چه چیزی باعث بروز رفتارهای خشن از سوی این افراد می‌شود؟ در پاسخ باید گفت در همه‌جای دنیا و در همه مسابقات ورزشی، تماشاگران ناسازگاری وارد ورزشگاه می‌شوند که هدف اولشان تماشای مسابقه نیست. این افراد مشکلات فراوانی دارند که در جامعه به دلیل موانعی که برای ابرازنشان هست، امکان بیانشان را ندارند. اما در جامعه کوچکی مثل ورزشگاه که در دل جامعه بزرگتر قرار دارد، احساس امنیت می‌کنند و بنابراین آنچه را که در جامعه بزرگتر نمی‌توانند انجام دهند، به انجام می‌رسانند. درواقع این افراد بدون اینکه خودکاهشی و کنترلی بر رفتارشان داشته باشند، انرژی محبوس شده در وجودشان را تخلیه می‌کنند و در نتیجه این کار احساس آرامش به آنها دست می‌دهد. بنابراین آنچه در ورزشگاه‌ها و بیرون از آنها از سوی هولیکان‌ها اتفاق می‌افتد، بازتاب مشکلات دیگری

چه چیزی از طرفدار یک هولیکان می‌سازد؟

امنیت علیه امنیت

است؛ از مشکلات شخصی و فردی گرفته تا حتی مسائل کلان اقتصادی و سیاسی. اگرچه این موضوع ابعاد متفاوتی دارد و نیاز است کارشناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به تحلیل ریشه‌ها و تبعات آن بپردازند، اما آنچه مشخص است اینکه هولیکانیسم درحال حاضر و به‌ویژه در جریان یورو ۲۰۱۶، تبدیل به یک معضل شده است. به‌طوری‌که درحال‌حاضر در بسیاری از شهرهای فرانسه بر تعداد پلیس‌ها افزوده شده و حتی در برخی از شهرهای این کشور که مسابقه در آن برگزار می‌شود، مراکز فروش مشروبات الکلی تعطیل شده‌اند. از طرفی افرادی که برای تماشای مسابقات به ورزشگاه‌ها می‌آیند، بازرسی بدنی می‌شوند که مشروبات الکلی با خود همراه نداشته باشند. پلیس فرانسه امیدوار است با این اقدامات بتواند باعث کاهش جوشایی‌ای باشد که هولیکان‌ها ایجاد می‌کنند. اگرچه این اقدامات پیشگیرانه می‌تواند مؤثر باشد، اما همان‌طور که گفتیم، نباید زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخیل در ظهور و تنش‌آفرینی هولیکان‌ها را نادیده گرفت. برای مثال، امروز این هولیکان‌های روس هستند که فرانسه را به آشوب کشیده‌اند و برای تحلیل این پدیده حتما باید منازعات اخیر اوکراین را در نظر داشته باشیم؛ همان‌طور که در جریان بازی ولز همه پیش‌بینی‌ها این بود که این بازی به خشونت کشیده می‌شود و برای جلوگیری از این اتفاق، ۹ هزار پلیس در حالت آماده‌باش قرار گرفته بودند. حتما خوانندگان می‌دانند ولز مانند زانده‌ای به پهلوی انگلستان چسبیده و اهالی آن همیشه از سلطه انگلستان بر خود ناراضی بوده‌اند. به‌همین‌دلیل

تلطیف فضای ورزشگاه‌ها، به خانم‌ها اجازه ورود به ورزشگاه‌ها داده شود تا با این راهکار جلو خشونت گرفته شود. حتی تعطیلی امجدیه و برگزاری مسابقات فوتبال در ورزشگاه آزادی که خارج از شهر است، به‌همین‌دلیل بود. با وجود این، همان‌طور که گفتیم، تا زمانی که مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد، می‌توان انتظار چنین رفتارهایی را داشت. برای مثال، امروز معضلات اقتصادی یکی از جدی‌ترین مسائلی است که همه ایرانی‌ها با آن دست‌به‌گریبان هستند. وضعیت معیشتی نامساعد، همواره یکی از محمل‌های آسیب‌های اجتماعی در جوامع بوده است و فوتبال یکی از تنها تفریحات همه طبقات اجتماعی از فقیر و غنی است. به‌همین‌دلیل زمانی که قشر آسیب‌پذیر جامعه با همه سرخوردگی‌ها و آسیب‌هایی که با آن دست‌به‌گریبان است، وارد ورزشگاه می‌شود، شما باید منتظر اتفاقاتی که گفته می‌شود تماشاگر‌نما‌ها انجام می‌دهند، باشید. به‌ویژه در ایران که محیط ورزشگاه و امکانات آن به‌گونه‌ای است که محرک افراد برای دست‌زدن به خشونت است. در ورزشگاه‌های ایران هیچ‌نوع سرویسی به تماشاگران برای رفع نیازهایشان داده نمی‌شود. طبیعی‌ترین نیاز تماشاگران که استفاده از سرویس‌های بهداشتی است، در ایران وضعیت اسف‌باری دارد. به این اضافه کنید وضعیتی را که از شب قبل تماشاگر باید در کنار خیابان بخوابد و هیچ نوع امکانات رفاهی‌ای مثل پارکینگ، هتل، رستوران و… برای او در نظر گرفته نشده است. در مقابلش هم هستند افرادی که معلوم نیست کجای فوتبال ایران هستند و با ماشین‌های آن چانی و با سلام و صلوات به جایگاه وی‌آی‌پی آورده می‌شوند. از تماشگری که آن شرایط را داشته و این تصاویر را می‌بیند، چه انتظاری می‌توان داشت.

درباره هولیکانیسم و ریشه‌های تاریخی و اجتماعی آن

جوانان بی‌کله بی‌کله

مربوط به بازی لیورپول و اورتون در فصل فوتبال ۱۳۵۶–۱۳۵۵ انگلستان می‌دانند که هولیکان‌های طرفدار این دو تیم به زدوخورد بسیار شدید با یکدیگر پرداختند. پس از این اتفاق؛ در انگلستان هر سال ۲۵ مورد زدوخورد بین هولیکان‌های فوتبالی در این کشور گزارش شده است. به‌علاوه، هولیکانیسم در دیگر کشورهای جهان نیز در طول این سال‌ها رشد فزاینده‌ای داشته است. به‌طوری‌که مرکز تحقیقات فوتبال انگلستان می‌گوید در ابتدای دهه ۹۰ میلادی در سرتاسر دنیا پنج هزار نفر به‌خاطر دست‌زدن به اعمال خشونت‌بار در حواشی مسابقات فوتبال دستگیر شده‌اند. این عدد یعنی برای هر مسابقه ۲۰۴ نفر.

چرافوتبال؟

اگرچه می‌توان ردپای هولیکانیسم را در دیگر ورزش‌ها نیز پی گرفت، اما بیش از هر چیز، این پدیده با فوتبال گره خورده است. اما چرا وقتی از هولیکان‌ها نام می‌بریم بلافاصله هولیکان‌های فوتبالی را به خاطر می‌آوریم؟ مرکز تحقیقات فوتبال انگلستان دلایل چندی را دراین‌باره برشمرده است. یکی از دلایل را باید در قدرت هولیکان‌های فوتبالی در سراسر جهان دانست. هولیکان‌های فوتبالی هر کشور معمولاً از دیگر هولیکان‌ها معروفتر هستند و این موضوع به ماهیت ورزش فوتبال نیز مربوط است. مرکز سرس نورمن چستر می‌گوید یکی دیگر از دلایل را باید در ریشه‌های غیربطبقاتی ورزش فوتبال دانست. فوتبال ورزشی متعلق به همه طبقات جامعه است. فوتبال یکی از ورزش‌های موردعلاقه بچه‌های تمام دنیاست؛ چه فقیر و چه غنی، چه باسواد و چه بی‌سواد و همین باعث شده است فوتبال در عمیق‌ترین لایه‌های جامعه هم نفوذ پیدا کند. علاوه بر این، دلیل دیگر شکل‌گیری هولیکانیسم فوتبالی را باید در ذات مردانه فوتبال جست‌وجو کرد. امروز همه ما می‌دانیم در کنار تیم‌های قدرتمند فوتبال مردان در جهان، زنان زیادی هم هستند که با به توب می‌شوند. اما فوتبال چه در آغاز شکل‌گیری و چه اکنون و با وجود حضور مدعیان قدری مثل زنان فوتبالیست، همچنان ورزشی با غلبه مردان بر آن باقی مانده است.

یک مفهوم

هولیکان‌ها چه می‌کنند؟

شاید برای شما هم جالب باشد بدانید مرز بین طرفداری و هولیکانیسم کجاست؟ حتما همه شما هم گاهی به‌عنوان طرفدار متعصب یک تیم، به‌خاطر کل‌خوردن یا باخت تیم محبوبتان عصبانی شده‌اید. حتی ممکن است گاهی هیجان ناشی از عصبانیت در قالب کلمات از دهان شما خارج شده باشد و همین کلمات جرعه یک زدوخورد لفظی و چه‌بسا فیزیکی را بین شما و طرفدار تیم مقابلتان ایجاد کرده باشد. تجربه چنین شرایطی اصلاً بعید نیست. اما سؤال اینجاست؛ آیا این زدوخوردها شما را به یک هولیکان تبدیل می‌کند؟ هولیکان‌ها چه ویژگی‌هایی دارند که آنها را از دیگر طرفداران ورزش و به‌ویژه طرفداران فوتبال جدا می‌کند. در اینجا با مهم‌ترین ویژگی‌های هولیکان‌ها آشنا می‌شوید:

۱- تیکه‌انداختن: زبان، اولین وسیله خشونت هولیکان‌هاست. هولیکان‌ها معمولاً با خشونت کلامی کارشان را آغاز می‌کنند. آنها نه از سر عصبانیت بلکه برای تحقیر دیگر طرفداران کلماتی را به کار می‌برند که در فارسی به آنها «تیکه و کنایه» می‌گویم. تیکه و کنایه‌ها بهترین وسیله برای تحریک احساسات طرفداران و تبدیل‌کردن آنها به یک بمب ساعتی است مخصوصاً اگر با کلمات رکیک همراه باشد. بمب که منفجر شود، هولیکان به آروزی خودش رسیده است.

۲- تف‌کردن: نیاز به توضیح ندارد.

۳- پرتاب‌کردن اشیاء: یکی از شایع‌ترین حرکاتی است که در جریان یک مسابقه ورزشی اتفاق می‌افتد. قصد هولیکان از انجام آن تنها تحقیر نیست بلکه در مواقعی آسیب‌رساندن جدی هم مدنظر است. پرت‌کردن اشیاء ممکن است حتی به سمت بازیکنان و مربیان تیم حریف هم صورت گیرد. از آنجا که پیوندهای بسیار عمیقی میان هولیکانیسم و ریسمیم ژن‌آدرستی وجود دارد، معمولاً هولیکان‌های سفیدپوست به سمت بازیکنان سیاه‌پوست موز پرتاب می‌کنند تا به این شکل به نژاد آنها توهین کنند. یکی دیگر از اشیایی که در جریان خشونت‌های خیابانی هولیکان‌ها به سمت حریفان و مخالفان پرتاب

مرکز تحقیقات فوتبال انگلستان حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و می‌گوید در انگلستان که هولیکان‌های آن از معروف‌ترین هولیکان‌های جهان هستند، مسابقه فوتبال نوعی مبارزه نمادین برای مردان طبقات پایین جامعه محسوب می‌شود. به‌همین‌دلیل است که این مردان طرفدار فوتبال در این طبقات سرمایه‌گذاری عاطفی بسیار زیادی روی فوتبال انجام می‌دهند. از سوی دیگر، هولیکان‌های مرد و متعلق به طبقات پایین جامعه معمولاً طرفدار تیم‌ها و بازیکنانی هستند که به سرخستی و حتی گاهی قدری معروفند. با وجود این دلایل، باز هم سؤالات دیگری پابرجاست. برای مثال، نمی‌توان تنها ماهیت مردانه فوتبال را دلیلی بر هولیکانیسم دانست، چراکه ورزش‌های خشن‌تر و مردانه‌تری نیز درحال‌حاضر در جهان وجود دارد که با اساساً هولیکانی حول آنها شکل گرفته‌اند یا اگر هولیکان‌ها هم وجود داشته باشد، دردرس‌هایشان به اندازه دردرس‌هایی که هولیکان‌های فوتبالی خلق می‌کنند، نیست. برای مثال، می‌توان به ورزش‌هایی مانند بوکس یا فوتبال آمریکایی اشاره کرد. همچنین اگر بخواهیم بپذیریم مسابقه فوتبال نمادی از مبارزه طبقاتی و بازتاب‌دهنده تمایلات طبقات محروم جامعه برای پیروزی و بیرون‌رفتن از وضعیت‌شان است، پس چرا شاهد درگیری بین هولیکان‌ها در مکان‌هایی غیر از ورزشگاه‌ها و در ساعاتی غیر از ساعات مسابقه هستیم. این مرکز در تحقیقات خود به نتایجی دست یافته است که شاید پاسخی برای این سؤالات باشد. برای مثال یکی از ویژگی‌های هولیکان‌ها سن آنهاست. آنها معمولاً افرادی هستند که سومیین دهه از عمر خود را می‌گذرانند. یعنی معمولاً هولیکان‌ها بین سنین ۲۰، ۳۰ سال قرار دارند. این سن با ویژگی‌های حیجانی خاصی شناخته می‌شود و شاید به‌همین‌دلیل است که به آن دوران اوج جوانی گفته می‌شود. البته نباید این موضوع را نیز نادیده گرفت که لیدرهای هولیکان‌ها معمولاً در سنین بالاتر هستند. علاوه بر این، هولیکان‌ها معمولاً جوانانی هستند که به‌لحاظ اقتصادی مستقل نیستند. به عبارت ساده‌تر، معمولاً هولیکان‌ها بی‌کار هستند و دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی باثبات نیستند. همه اینها باعث می‌شود فرد چیز ارزشمندی برای از دست‌دادن نداشته باشد و به‌راحتی به هر کاری که می‌خواهد، دست بزند.

نگاه

روایت ۳۰ سال سرکشی

من «اندی نیکلاس»، یک هولیکان هستم

بلیچر ریپورت: اسم من «اندی نیکلاس» است. من به مدت ۳۰ سال را جزء گروه «C» تقسیم‌بندی کرده‌اند. اهل بلوفزدن نیستم اما برای اینکه بدانید قرارگرفتن در این گروه یعنی چه، باید بگویم این خطرناک‌ترین عنوانی است که می‌توانید بگیرید. آن‌قدر به زندان محکوم و آن‌قدر از تماشای فوتبال در داخل و خارج از کشور محروم شده‌ام که تعدادشان از دستم در رفته. ولی می‌خواهم اعترافی بکنم؛ از همه اینها لذت برده‌ام. راستش را بخواهید من خیلی چیزها را در زندگی‌ام تجربه کرده‌ام اما حرفم را باور نکنید یا نکنید، هیچ لذتی در دنیا یک‌دره هم شبیه به بودن در یک گنگ فوتبالی نیست. گفتیم «گنگ» چون ما واقعاً یک گنگ بودیم و فکر نمی‌کنم هیچ هولیکان دیگری امروز بتواند آنچه ما تجربه کردیم را تجربه کند. آن زمان واقعاً «طرفداری» مسئله بود. مثل امروز در میان دوربین‌های مداربسته و پلیس‌های امنیت محاصره نشده بودیم. آن زمان واقعاً ممکن بود به‌خاطر طرفداری از یک تیم آسیب ببینی یا حتی کشته شوی! طرفداری ما سوسول‌بازی نبود. هولیکانیسم در دوره من یک سرگرمی خیلی خیلی خطرناک بود. بعضی‌وقت‌ها از من سؤال می‌شد: «چی باعث میشه که هولیکان این‌قدر خشن باشی؟» من تنها یک جواب ساده داشتم:



اندی نیکلاس

«سرگرمی»! درست است. در زمانه من اگر بچه‌ای از طبقه متوسط بودی، هیچ سرگرمی‌ای نداشتی. نه ایکس‌باکس، نه اینترنت، نه از این سرگرمی‌های فانتزی. آن زمان فقط فوتبال بود. فوتبال هم جایی است که با باید شکار کنی یا شکار می‌شوی و خب معلوم است که من شکارچی‌بودن را انتخاب کردم. من هر لحظه به دنبال درسر می‌گشتم و کاری را می‌کردم که هیچ‌کس نتواند انجام دهد. مثل یک معتاد تریقی که دم‌به‌دم در طلب هروئین است، هروئین من خشونت فوتبالی بود! دروغ نگفته باشم. وقت‌هایی هم بود که به خودم نهیب می‌زدم: «بی‌خیال! بسه دیگه!» مخصوصاً وقت‌هایی که در دادگاه مقابل قاضی ایستاده بودم و داشتمند حکم‌م را می‌خواندند یا وقت‌هایی که کسی را طوری زده بودم که داشت پیش چشمم دل‌وروده‌اش را بالا می‌آورد. بله، من همه این کارها را کرده‌ام و فکر می‌کنم زیاده‌روی هم کرده باشم. اما این کار برای ما جذاب بود. مخصوصاً عشق این را داشتیم که سفر کنیم. بازی‌های خانگی برای ما خیلی اهمیت داشت اما رفتن به لندن و طرفداری از تیم در این شهر چیز دیگری بود. من برای هولیکان‌های لندن خیلی احترام قائل هستم. آنها هیچ‌وقت ناهمدی نمی‌شوند. در فوتبال مهم نیست که با چه کسی بازی کنید، مهم



کشته شدن جاب هنری جزو خاطرات اندی

آن کسی است که باید مراقبش باشید که به شما حمله نکند. در لندن اگر هولیکان جلسی باشید، از هولیکان‌های آرسنال، میلوال، وستهام‌یوایتد، تاتنام‌ها تسپر و… کتک می‌خورید و ما گاهی در دعوایمان با این هولیکان‌ها برای جان می‌جنگیدیم. از طرف دیگر اگر به شهری می‌رتی و آنجا را به آشوب می‌کشیدی، باید منتظر می‌ماندی که آنها هم به شهرت بیایند و جواب را بدهند. اما نتیجه همه اینها چه بود؟ این کارها برای همیشه نمی‌توانست ادامه پیدا کند و بعد از فاجعه ورزشگاه هیسل که به کشته‌شدن ۳۹ هوادار یوونتوس قبل از شروع مسابقه فینال جام باشگاه‌های اروپا در ۱۹۸۵ منتهی شد، همه چیز تغییر کرد. یک مرتبه دیدیم که تعداد پلیس‌ها در تمام بازی‌ها بیشترویشتر می‌شود و مهم‌تر اینکه دنیا از ما متنفر شد. همه چیز تمام شده بود. خود من هم بزرگ شده بودم. ۱۰ سال از آغاز هولیکان‌بودنم گذشته بود و در طول این مدت یک ازدواج ناموفق را نیز تجربه کرده بودم. پس شروع کردم به ترک‌کردن. اگرچه خیلی زود متوجه شدم ارتباطات و شهرتم در این زمینه می‌تواند برایم پول‌ساز باشد و به همین دلیل شروع به نوشتن کتاب‌هایی درباره هولیکانیسم کردم. امروز وقتی جوانان هولیکان را می‌بینم، به آنها می‌گویم این کار ارزشش را ندارد. دست از این کار بردارید. به نظران پنج دقیقه دیوانگی ارزش زندانی‌شدن را دارد؟ و خودم جواب می‌دهم نه! ندارد؛ مخصوصاً برای کسانی که مثل من زن و بچه دارند. کافی است چیزی برای باختن داشته باشید و با تبدیل‌شدن به یک هولیکان آن را به خطر بیندازید. خیلی دیگر از هولیکان‌های هم‌سن من هم همین عقیده را دارند. قصد ندارم از حرف اولم برگردم. من عاشق هولیکان بودن هستم و از تمام تجربیاتی که در این مدت داشتم، لذت بردم و اگر به گذشته برگردم، حتی یک لحظه از آن تجربیات را هم عوض نمی‌کنم. اما حالا من صاحب فرزند هستم و نه فوتبال و نه هیچ چیز دیگری روی این کره خاکی برای من از بچه‌هایم ارزشمندتر نیست. اما همان‌طور که گفتیم، همه اینها به‌خاطر یک چیز است: «سرگرمی» و فوتبال یکی از سرگرمی‌هایی است که هیچ چیز جایش را نمی‌گیرد.



فاجعه ورزشگاه هیسل